

وقتن منند



تنظیم و کاریکاتور:
آرش عادل

BY: ARASH.ADELI
aadel101@yahoo.com

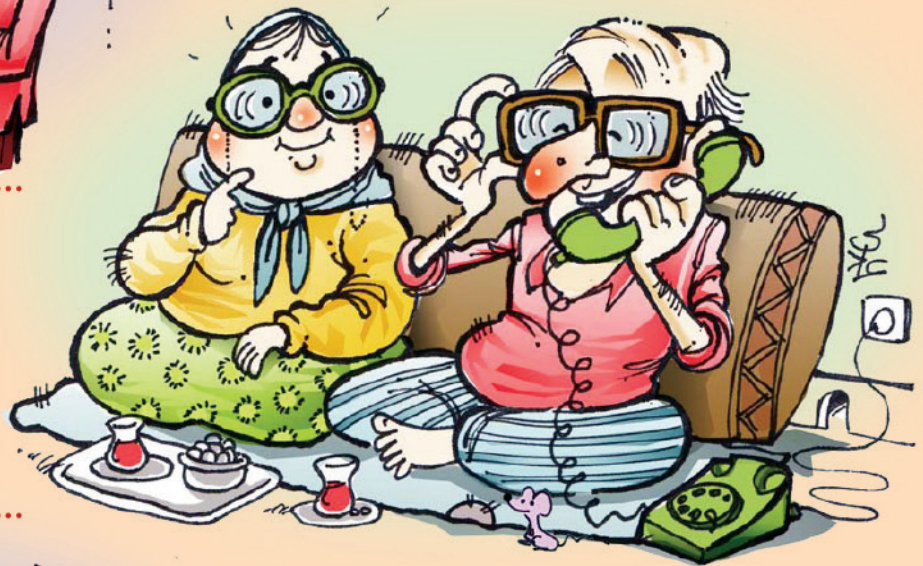
سیاست

مدیر یک موسسه زیبایی، دربان تازه ای را استخدام کرده بود و مشغول دادن تعلیمات لازم به او بود. - بین پسر جان، کار تو این جا خیلی آسونه، این جا می ایستی و هر خانمی که وارد می شه در را برایش باز می کنی و میگی: «سلام خانوم» و وقتی که خواست بره در را باز می کنی و بهش میگی: «خداحافظ دختر خانوم»!!!



اشتباه

رحیم آقا به تعمیرگاه تلویزیون تلفن کرد و گفت: می بخشی پسر من نیم ساعت پیش به شما زنگ زدم که تلویزیونمون تصویرش تار شده. حالا می خواستم بگم که عیبش رفع شده، یعنی که راستش من و حاج خانوم عینکامون با همدیگه عوض شده بود!!!



سعادت

هوشنگ خان رو به منوچهر کرد و با صدای غمگینی گفت: منوچهر جون دیگه حوصله ام از دست این مادر زنم سر رفته. بی انصاف هفته ای دو دفعه پا می شه میاد دیدن دخترش! منوچهر: عوضش مادر زن من فقط سالی دو دفعه میاد دیدن ما. هوشنگ آهی کشید و گفت: خوش به حالت منوچهر جون، زهی به سعادتت. منوچهر: البته بگم ها، هر دفعه که میاد شش ماه می مونه!!!



زردی‌های مردونه!



خانم‌ها مثل...

خانم‌ها مثل رادیو هستند:
هر چی می‌خواهند می‌گویند
ولی هر چه بگویی نمی‌شنوند.

خانم‌ها مثل چسب دوقلو هستند:
اگر دستشان یا گوشی تلفن مخلوط شد،
دیگر باید سیم را برید.

خانم‌ها مثل رعد و برق هستند:
اول برق چشمه‌اشون می‌رسه،
بعد رعد صداشون.

خانم‌ها مثل شبکه اینترنت هستند:
از هر موضوعی یک فایل اطلاعاتی دارند.

خانم‌ها مثل موتور گازی هستند:
پر سر و صدا، کم سرعت، کم طاقت

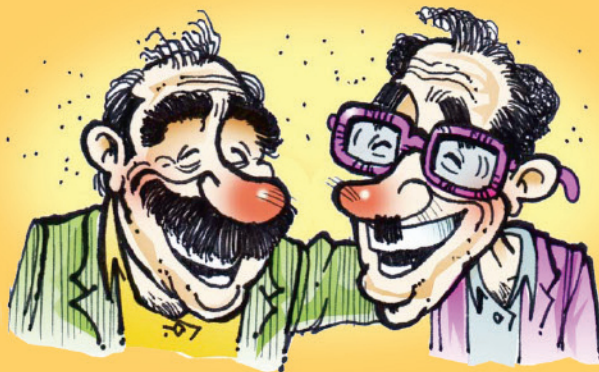
خانم‌ها مثل لیمو شیرین هستند:
اول شیرین و بعد تلخ می‌شوند.

خانم‌ها مثل موبایل هستند:
هر وقت کاری مهم پیش می‌آید
در دسترس نیستند.

خانم‌ها مثل گچ هستند:
اگر چند دقیقه مدارا کنی آنچنان سخت می‌شوند
که هیچ شکلی نمی‌گیرند.

خانم‌ها مثل کنتور برق هستند:
هر چند سال یک بار سن آنها صفر می‌شود.

خانم‌ها مثل فلز یاب هستند:
هر گاه از نزدیکی طلافروشی رد می‌شوند
عکس العمل نشان می‌دهند.



نصیحت

استاد به دانشجویان کالبد شکافی:
– دانشجویان عزیز دقت کنید،
وقتی که می‌خواهین شکم بیمار
رو باز کنین، خیلی مراقب باشیند،
حواستون باشه که به چاقو زیاد
فشار نیارید، اگر به فکر مریض
نیستید، حداقل فکر میز
جراحی رو بکنین!!!

سوال مربوط

سلمانی به مشتری: بخشین،
شما قبل از اینکه بیاید سلمونی
سس گوجه خوردین؟
مشتری با تعجب: نخیر،
حالا واسه چی این سوال رو
پرسیدی؟
سلمانی: هیچی، چیز خاصی
نیست، فکر کنم زیر گلو تونو
بریدم!!!

توصیه

صاحبخانه به مهمان که مشغول خداحافظی بود گفت:
بیژن جون وقتی از پله‌ها میری پائین مراقب پله ماقبل
آخر باش.
میهمان: چرا ماقبل آخر؟
صاحبخانه: چون بعد از اون، یک پله دیگه هم هست!!!